

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برتولت برشت، ۱۹۳۵  
برگردان از: آمادور نویدی  
۲۳ نومبر ۲۰۱۹



اما در اجتماعی که پول حکومت دارد  
کلید نیکی کردن هم در پول داشتن است!  
بخشش، رحم، کمک کردن به دیگران، نجات  
دادن گرسنه از گرسنگی و رهاندن بیمار از  
چنگ بیماری در گرو پول داشتن است!  
پول با بدی به دست می آید، با ربودن حاصل کار همان ها که  
باید بر آنان رحم آورد و یاری شان کرد!  
همان ها که باید پناهشان داد! پس خوبی دروغ می شود  
غیر ممکن می شود! چون در جامعه سوداگر وسیله نیکی کردن  
با بدی کردن به دست می آید!  
برتولت برشت

## فاشیسم چهره واقعی سرمایه داریست



هنگامی می توان در مورد حقیقتی نظر داد که نتایجی در حوزه عمل به دست آمده باشد. به عنوان مثال، اگر از حقیقتی نتایج درست یا اشتباهاتی حاصل نشود، ما می توانیم به این نظریه گسترده برسیم که غالب شدن شرایط بد در شماری از کشورها ناشی از بربریت است. مطابق این طرز تفکر، فاشیسم به موجی از بربریت تشبیه می شود که در برخی از کشورها همچون نیروئی اساسی است که ناشی از یک پدیده طبیعی است. براساس این نظریه، فاشیسم یک قدرت سوم، و جدیدی است که در کنار و (فرا تر از) سرمایه داری و سوسیالیسم است و نه فقط جنبش سوسیالیستی، بلکه سرمایه داری نیز باید بتواند بدون مداخله فاشیسم زنده بماند، و غیره. البته این یک ادعای فاشیستی است و موافقت با این طرز تفکر به معنای تسلیم شدن در برابر فاشیسم است.

فاشیسم مرحله ای تاریخی از سرمایه داری است؛ و با این مضمون چیزی جدید و در عین حال قدیمی است. در کشورهای فاشیستی، سرمایه داری همچنان وجود دارد، اما فقط به شکل فاشیسم؛ و با فاشیسم فقط می توان به عنوان سرمایه داری مبارزه کرد که عریان ترین، بی شرمانه ترین، ستمکارترین، و خائن ترین شکل سرمایه داری است.

اما چه‌گونه می‌توان به غیر از این‌که بخواهیم علیه سرمایه داری حرف بزنیم، حقیقت را درباره فاشیسم بیان کنیم؟ نتایج عملی چنین حقیقتی چیست؟

کسانی که بدون این‌که علیه سرمایه داری باشند علیه فاشیست هستند، افرادی که از بربریتی که ناشی از وحشی‌گرست، آه و ناله سر می‌دهند و ابراز تأسف می‌کنند، مانند مردمی هستند که می‌خواهند بدون کشتن گوساله، گوشت گوساله را بخورند. آن‌ها دوست دارند گوشت گوساله بخورند، اما نمی‌خواهند رنگ خون را ببینند و چنانچه قصاب دستان خود را قبل از وزن کردن گوشت بشوید، به آسانی راضی می‌شوند. آن‌ها مخالف سیستم آن مالکیت که به وجود آورنده بربریت است، نیستند. آن‌ها فقط مخالف خود بربریت هستند. آن‌ها صدای خود را علیه بربریت بلند می‌کنند، و این‌کار را در کشورهایی انجام می‌دهند که دقیقاً همین سیستم مالکیت حاکم است، یعنی جایی که قصاب‌ها قبل از وزن کردن گوشت، دستان خود را می‌شویند.

اعتراضات علیه اقدامات وحشیانه ممکن‌ست مؤثر باشد، اما در صورتی‌که شنوندگان باور داشته باشند که چنین اقداماتی در کشورهای خودشان اتفاق نمی‌افتد. برخی از کشورها هنوز قادر اند با روش‌هایی که نسبت به سایر دیگر کمتر خشونت آمیز به نظر می‌آید، سیستم مالکیت خود را حفظ کنند.

دمکراسی هنوز در این کشورها خدمت می‌کند تا به نتایجی برسد که خشونت در دیگر کشورها لازم است، برای مثال، تضمین مالکیت خصوصی بر ابزار تولید. انحصار خصوصی کارخانه‌ها، معادن، و زمین‌ها در همه جا شرایط وحشیانه‌ای را ایجاد می‌کند، اما در برخی مکان‌ها این شرایط زیاد به چشم دیده نمی‌شوند. بربریت را فقط زمانی بچشم می‌بینیم که از انحصار با خشونت آشکار حفاظت می‌شود.



### اعتراضات پاریس، نومبر ۲۰۱۸

برخی از کشورها، که هنوز ضروری نمی‌بینند از انحصارات وحشی خود دفاع کنند، با باطل کردن ضمانت‌های رسمی مطابق با قانون اساسی، همچنین با امکاناتی مانند هنر، فلسفه، و ادبیات، به ویژه مشتاق شنیدن از گردش‌گرانی هستند که از سرزمین‌های بومی خود سوء استفاده می‌کنند، به گونه‌ای که امکانات آن‌جا انکار می‌شود. آن‌ها با خوش‌حالی گوش فرا می‌دهند، زیرا که آن‌ها امیدوارند از چیزی که می‌شنوند، برای مزایای جنگ‌های آینده سود ببرند. آیا ما می‌توانیم بگوئیم که آن‌ها این حقیقت را تشخیص داده‌اند که، برای مثال، با صدای بلند خواهان مبارزه‌ای بی‌امان علیه المان بشوند «زیرا که این کشور اکنون در دوران ما جایگاه واقعی شیطان را دارد، شریک جهنم، و مقر ضد مسیح

ست؟» ما بهترست بگوئیم که این‌ها افرادی احمق و خطرناک هستند. نتیجه این مزخرفات این‌ست که، از آن‌جایی که گازهای سمی و بمب‌ها مجرمان را انتخاب نمی‌کنند، پس باید المان - کل کشور و همه مردمش نابود شود. کسی که حقیقت را نمی‌داند خودش را با عبارات عالی، گلی و مبهم توصیف می‌کند. او که درباره «این» المان فریاد می‌زند، به طو کلی درباره شیطان شکایت می‌کند و هرکسی که صدای او را می‌شنود، نمی‌تواند تصمیم بگیرد که باید چه کار کند. آیا او باید تصمیم بگیرد که المانی نباشد؟ و چنانچه خود او آدم خوبی باشد، آیا جهنم ناپدید می‌شود؟ حرف‌های احمقانه درباره بربریت که از وحشی‌گری ناشی می‌شود نیز از این نوع است. منبع بربریت، وحشی‌گریست، که می‌تواند و باید با فرهنگ روشن‌گری، آموزش و پرورش با آن مبارزه کرد. همه این‌ها که به طور کلی قرار داده شده اند؛ به معنای راهنمای عمل نیستند و در واقع خطاب به هیچ کسی نیست.

توصیف‌های مبهم تنها به چند حلقه از زنجیر دلایل اشاره می‌کند. تاریخ اندیشی آن‌ها نیروی واقعی سازنده فاجعه را پنهان می‌کند. اگر درباره این موضوع روشن‌گری شود، بی‌درنگ آن مصیبت‌هایی که توسط افراد به خصوصی ایجاد شده است، آشکار می‌گردد، زیرا که ما در دورانی زندگی می‌کنیم که سرنوشت انسان توسط انسان تعیین می‌شود.

فاشیسم یک فاجعه طبیعی نیست که به آسانی بتوان آن‌را از لحاظ «طبیعت انسانی» درک کرد. اما حتی زمانی که ما با فاجعه های طبیعی روبه رو می‌شویم، باید آن‌ها را با شیوه‌هایی که موجودست به گونه ای به تصویر بکشیم که شایسته انسان‌ها باشد، زیرا که آن‌ها به انسان روحیه مبارزاتی می‌دهند. پس از یک زلزله بزرگ که یوکوهاما را تخریب نمود، بسیاری از روزنامه‌های امریکائی عکس‌هایی را منتشر کردند که منعکس کننده انبوه ویرانی‌ها بود. عنوان‌ها چنین خوانده می‌شدند: **محکم ایستاده است**. و مطمئناً، اگرچه که ممکن‌ست که در نگاه اول تنها ویرانی‌ها را دید، اما چشم پس از توجه به عنوان، به سرعت متوجه می‌شود، که چند ساختمان بلند ایستاده باقی‌مانده اند. درمیان توصیفات متعددی که می‌توان جهت زلزله ارائه نمود، آن‌هایی که توسط مهندس‌های ساخت و ساز در ارتباط با حرکت زمین، نیروی فشارها، بهترین توسعه و غیره ترسیم شده اند، از اهمیت بیش‌تری برخوردار می‌شوند، برای این‌که منجر به آن می‌شود که ساخت و سازهای آینده بتوانند در برابر زلزله مقاومت کنند.

اگر کسی که مایل‌ست فاشیسم و جنگ، و بدبختی‌های بزرگی را توصیف کند که بلاپای طبیعی نیستند، او باید این‌کار را به لحاظ یک حقیقت عملی انجام دهد. او باید نشان دهد که این بدبختی‌ها توسط طبقات دارا جهت کنترل شمار زیادی از کارگران راه اندازی شده است که فاقد ابزار تولید هستند. اگر شخصی بخواهد حقیقت را درباره شرایط شیطانی با موفقیت به تصویر بکشد، باید به گونه ای بنویسد که دلایل اجتناب‌ناپذیر آن را شناسائی کند، و چنانچه بتوان علل قابل پیش‌گیری را تشخیص داد، می‌توان با این شرایط شیطانی مبارزه نمود.

### درباره نویسنده:

برتولت برشت (۱۹۳۵). نوشتن حقیقت: پنج مشکل. توسط ریچارد وینستون، که برای مجله «دوبار در سال» ترجمه شده است. گردآوری شده در ویلیام واسراستروم، چاپ، آزادی‌های مدنی و هنرها: منتخبی از دوبار در سال، ۱۹۳۸-۴۸. انتشارات دانشگاه سیرکوز، ۱۹۶۴.

این مقاله ابتداء توسط آف-گاردین. اورگ منتشر شده است.

<https://off-guardian.org/2018/12/01/fascism-is-the-true-face-of-capitalism>

برگرداننده شده از:

**Fascism Is the True Face of Capitalism**

**By Bertholt Brecht, 1935**

[/https://off-guardian.org/2018/12/01/fascism-is-the-true-face-of-capitalism](https://off-guardian.org/2018/12/01/fascism-is-the-true-face-of-capitalism)

<http://www.informationclearinghouse.info/52530.htm>